

رابطه بین سبک‌های دلبستگی با افکار خودکشی سربازان

The Relationship between Attachment Styles and Suicidal Thoughts among Soldiers

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۲/۰۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۰۲

Zahra Sadat Hosseini, Elham Fariborzi PHD ✉

زهرا سادات حسینی^۱، الهام فریبرز

Abstract

Introduction: In regard to the significance of the relationship between mother and child, what is essential for children's mental health is to experience a warm, intimate, and continuing relationship with mother or her permanent substitute. Many forms of neuroticism and personality disorders are the result of depriving children from maternal care or instability of child's relationship with the attachment figure. The current study aims to investigate the relationship between attachment styles and suicidal thoughts among soldiers in a military organization and determine its predictive role in this field.

Method: This is a correlational descriptive study conducted on 361 soldiers in Mashhad, Iran in 2015 using the multi-stage cluster sampling method. The data collection instruments of this study were the Beck Suicide Scale Ideation and the Revised Adult Attachment Scale (Collins & Read, 1990). The data were analyzed using the Pearson correlation coefficient and multiple regression analysis.

Results: The results reveal a significant positive relationship between ambivalent attachment style and suicidal thoughts and a significant negative relationship between secure and avoidance attachment styles and suicidal thoughts.

Discussion: Given the results of the current study, secure attachment style and avoidance attachment style could significantly predict suicidal thoughts. In addition, the findings of this study confirmed the role of secure attachment style in reducing suicidal thoughts.

Keywords: attachment styles, suicidal thoughts, soldier, army.

چکیده

مقدمه: در تأکید بر اهمیت ارتباط مادر و کودک، آنچه که برای سلامت روانی کودک، ضروری است، تجربه یک ارتباط گرم، صمیمی و مداوم با مادر یا جانشین دائم اوست. بسیاری از اشکال روان‌آزردگی‌ها و اختلال‌های شخصیت، حاصل محرومیت کودک از مراقبت مادرانه و یا عدم ثبات رابطه کودک با چهره دلبستگی است. پژوهش حاضر برای بررسی رابطه سبک دلبستگی با افکار خودکشی سربازان در یک سازمان نظامی و تعیین نقش پیش‌بینی‌کنندگی آن در این زمینه انجام شد.

روش: این پژوهش از نوع توصیفی - همبستگی است که در سال ۱۳۹۴ روی ۳۶۱ سرباز به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای در شهر مشهد انجام شد. ابزار مورد پژوهش شامل مقیاس افکار خودکشی بک و پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسال کولینز رید بود. برای تحلیل داده‌های آماری از ضریب پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شده است.

نتایج: یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که بین سبک دلبستگی دوسوگرا با افکار خودکشی، رابطه مثبت معنادار و بین سبک‌های دلبستگی ایمن و اجتنابی با افکار خودکشی، رابطه منفی معناداری وجود دارد.

بحث: با توجه به یافته‌های این پژوهش، سبک دلبستگی ایمن و سبک دلبستگی اجتنابی قادرند به‌طور معناداری افکار خودکشی را پیش‌بینی کنند. همچنین یافته‌های این پژوهش، تأییدکننده نقش سبک دلبستگی ایمن در کاهش افکار خودکشی است.

کلیدواژه‌ها: سبک دلبستگی، افکار خودکشی، سرباز، ارتش

✉ **Corresponding Author:** Assistant Professor, Faculty of Educational Sciences, Islamic Azad University of Mashhad, Iran
E-mail: Elhamfariborzi@gmail.com

۱ - کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، گروه روان‌شناسی، واحد علوم تحقیقات خراسان رضوی، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران
✉ استادیار دانشکده علوم تربیتی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

مقدمه

ارتباط مادر و کودک، آنچه برای سلامت روانی کودک ضروری است، تجربه یک ارتباط گرم، صمیمی و مداوم با مادر یا جانشین دائم اوست. بسیاری از اشکال روان‌آزردگی‌ها و اختلال‌های شخصیت، حاصل محرومیت کودک از مراقبت مادرانه و یا عدم ثبات رابطه کودک با چهره دلبستگی است (بالبی، ۱۹۸۰).

تمرکز اصلی نظریه دلبستگی بر روابط بین کودک و چهره دلبستگی اولیه است که دو کار اساسی انجام می‌دهد: ۱. پناهگاه محکم و قابل اطمینانی فراهم می‌کند تا کودک در زمان‌های استرس و درماندگی به سمت او بازگردد؛ ۲. جایگاه امنی است برای کاوش کودک در محیط به‌ویژه در غیاب چهره دلبستگی (واترز، ۲۰۰۶). هرچند اغلب نوزادان به هر دو والد دلبسته می‌شوند، ولی مادران و پدران نوعاً نقش‌های متفاوتی در رشد اجتماعی اولیه نوزادشان ایفا می‌کنند. تجربه‌های واقعی فرد در مورد حساسیت پاسخگوبودن، حضور فعال مراقب، همچنین خلق و خوی کودک و هماهنگی روابط والد - کودک، اساس شکل‌دهی به سبک‌های مختلف دلبستگی^۲ (ایمن^۳، اجتنابی^۴ و دوسوگرا^۵) در خلال سال‌های نوزادی و کودکی است (۲۰۰۷).

نوزادی که موفقیت یا رضایت‌مندی را در اولین ارتباطاتش تجربه نکرده باشد، باید در مراحل بعدی زندگی، آمادگی مواجهه با مشکلات تعاملات اجتماعی را داشته باشد. Weiss در ۱۹۸۲ دلبستگی بزرگسالان را به‌عنوان ایجاد یک «پیوند» توسط یک بزرگسال با بزرگسال دیگر که در جنبه‌های اساسی و مهم، مشابه دلبستگی‌ای است که کودکان نسبت به «مراقب اصلی» خود ایجاد می‌کنند، تعریف می‌کند. این پیوند (درست مثل آنچه در کودکان وجود دارد) تنها در روابطی ظاهر می‌شود که اهمیت هیجانی

شایع‌ترین روش‌های خودکشی در مردان، اسلحه گرم، سپس حلق‌آویز کردن و پریدن از بلندی است. استفاده از اسلحه گرم در خودکشی روزبه‌روز افزایش می‌یابد (راد، جوینر و رجب، ۲۰۰۱).

بعضی بررسی‌ها نشان می‌دهد که اغلب خودکشی‌ها در پست‌نگهبانی و با اسلحه صورت گرفته است (رضائی ۲۰۰۵). فشارهای روانی و سختی‌های ذاتی دوران سربازی هنگامی که در بستر تربیتی و سبک دلبستگی ناسالم قرار گیرد، می‌تواند یکی از مهم‌ترین عوامل شیوع افکار خودکشی^۱ در این دوران باشد. راه و روشی که آدمی در دوران کودکی با آن روبه‌رو شده است و موقعیت‌هایی که بر مسیر زندگی وی تأثیر می‌گذارند، می‌توانند در سرنوشت او تأثیر قوی داشته باشند که یکی از این عوامل، سبک دلبستگی است.

دلبستگی، پیوند عاطفی هیجانی نسبتاً پایداری است که بین کودک و مادر یا افرادی که نوزاد در تعامل منظم و دائم با آنها است، ایجاد می‌شود (پاپالیا، ۲۰۰۲). درواقع این رفتار جستجوی مراقبت نوزاد که دلبستگی نامیده می‌شود و نوع آن می‌تواند سرنوشت آینده وی را رقم بزند، در اکثر کودکان تا پایان یک‌سالگی، سیستم‌های رفتاری مربوطه به‌آسانی براساس جدایی از مادر فعال می‌شوند و آنچه به‌طور مؤثر این سیستم‌ها را به پایان می‌رساند، دیدن مادر، شنیدن صدای او و لمس اوست. بنابراین این نظام‌ها یا سیستم‌های رفتاری (مانند گریه‌کردن، دنبال‌کردن و غیره) تا حدود سه‌سالگی به‌آسانی بر انگیخته می‌شوند و بعد از آن در اکثر کودکان، کمتر برانگیخته شده و تحمل کودک برای دوری از مادر افزایش می‌یابد. در طول نوجوانی و بزرگسالی چهره دلبستگی‌ای که رفتار فرد به سمت او جهت داده می‌شود، تغییر می‌کند. در تأکید بر اهمیت

نسبت به ایشان صمیمی و راحت باشند. جدایی‌های آنها زیاد است اما از محدودیت‌های ارتباطشان کمتر رنج می‌برند (پینز، ۲۰۰۵). افراد دو سوگرا در روابط صمیمانه خود احساس ناامنی و حسادت می‌کنند. آنها از یک سو میل به نزدیکی با دیگران دارند و از سوی دیگر دائم می‌ترسند که طرد شوند (کلینکه، ۲۰۰۴). آنها اغلب نگرانند که همسرشان واقعاً آنها را دوست نداشته باشند. آنها در سطح بالایی از زندگی و تعهد هستند که بالقوه آنها را از همسرانشان دور می‌کند؛ چون آنها را انگل‌وار یا خفقان‌آور می‌پندارند. آنها ناایمن هستند و در ارتباطشان خیلی سرمایه‌گذاری می‌کنند. به‌طور کلی افراد بی‌اعتمادی هستند، خودپنداره پایینی دارند و در رابطه با خودشان خیلی زیاد افشاگری می‌کنند. آنها تمایل دارند نمره بالایی را به اجبار کردن و نمره پایینی را به حساسیت، اختصاص دهند (پینز، ۲۰۰۵). به عقیده ادوین اشنایدمن^۸ خودکشی با نیازهای برآورده‌نشده یا نیازهایی که با مانع مواجه شده‌اند، احساس درماندگی و ناامیدی، تعارض دو سوگرانه بین بقا و استرس غیرقابل تحمل، محدود شدن گزینه‌ها از دیدگاه فرد و نیاز برای گریز یا فرار، ارتباط دارد. رابطه بین اندیشه‌پردازی خودکشی و توسل به رفتارهای خودآسیب‌رسانی در سبک دلبستگی آشفته سردرگم ۷۸٪ است و این رابطه در افراد دارای سابقه رفتار خودکشی به ۸۶٪ می‌رسد (سادوک و سادوک، ۲۰۰۷). ویژگی‌های بهنجار و نابهنجار روابط بین‌شخصی به‌گونه‌ای عمیق از سبک‌های دلبستگی اشخاص تأثیر می‌پذیرد. بنابر نتایج پژوهش‌ها، دلبستگی ایمن با ویژگی‌های ارتباطی مثبت شامل صمیمیت و خرسندی، دلبستگی اجتنابی با سطوح پایین‌تری از صمیمیت و تعهد و دلبستگی دو سوگرا با شور و هیجان و دل‌مشغولی با خرسندی کم، مرتبط است (فینی و نولر، ۱۹۹۸). بنابراین هدف

بسیار زیاد و محوری دارند. این دلبستگی در بزرگسالان نتیجه عملکرد نظام هیجانی مشابه با دلبستگی در کودکان است؛ گرچه در جریان تحول جرح و تعدیل شده است (مظاهری، ۲۰۰۰). مظاهری معتقد است که بسیاری از اشکال روان‌آزردگی‌ها و اختلال‌های شخصیت، حاصل محرومیت کودک از مراقبت مادرانه و یا عدم ثبات رابطه کودک با چهره دلبستگی است. همچنین «نظریه دلبستگی» فقط نظریه تحول کودک نیست، بلکه نظریه تحول در «گستره حیات» و به‌ویژه در فوریت‌ها^۹ نیز هست. سبک‌های دلبستگی در بزرگسالی عبارت است از: سبک دلبستگی ایمن؛ اجتنابی و دو سوگرا (بالبی، ۱۹۸۰). افراد دارای سبک دلبستگی ایمن در روابط نزدیک خود احساس خوشحالی، دوستی و اطمینان می‌کنند. این افراد از عزت‌نفس بالایی برخوردارند و احساس می‌کنند که دیگران آنها را دوست داشته و مراقب آنها هستند. سبک دلبستگی ایمن با میل قدردانی، توجه و فداکردن خود به خاطر افراد نزدیک و مهم، ارتباط دارد. در این سبک، اعتماد کردن، نزدیک و وابسته شدن به دیگران راحت است؛ زیرا انتظار دارند واکنش افراد دیگر همراه با پذیرش، نزدیکی و حمایت باشد (کلینکه، ۲۰۰۴). آنها خیلی به طرد یا وابستگی، علاقه‌ای نشان نمی‌دهند و تمایل دارند در حساسیت به دیگران نمرات بالا و در اجبار کردن آنها، نمرات پایینی به دست آورند (پینز، ۲۰۰۵) افرادی که دارای سبک دلبستگی اجتنابی هستند، به‌طور معمول مایلند بیشتر تنها باشند و از درگیری زیاد در روابط، اجتناب می‌کنند. این افراد اعتماد کردن، نزدیکی و وابستگی به دیگران را خطرناک تلقی می‌کنند؛ زیرا انتظار دارند دیگران آنها را طرد و اذیت کنند (کلینکه، ۲۰۰۴). آنها وقتی فردی قصد نزدیک شدن به آنها را دارد، عصبی می‌شوند و اغلب، همسرشان از آنها می‌خواهند تا

تحقیق این است که رابطه بین افکار خودکشی با سبک‌های دلبستگی را بررسی کند و مشخص کند چه میزان از افکار خودکشی توسط این متغیر قابل پیش‌بینی است؟

روش

این مطالعه از نوع توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری پژوهش، شامل سربازان مشغول به خدمت - در سه‌ماهه نخست سال ۱۳۹۴- در پادگان‌های ارتش در مشهد بوده است. طی نمونه‌گیری چندمرحله‌ای، از میان پادگان‌های موجود ابتدا یک پادگان و سپس از میان گردان‌های موجود در پادگان، یک گردان و نمونه موردنظر که شامل ۳۶۱ نفر بود، از این گردان انتخاب شد. ابزارهای پژوهش عبارت بود از: پرسشنامه افکار خودکشی بک (BSSI) با ۱۹ سؤال ابزار خودسنجی که برای آشکارسازی و اندازه‌گیری شدت نگرش‌ها، رفتارها و همچنین برنامه‌ریزی برای ارتکاب به خودکشی تهیه شده است. اعتبار آن از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹۵ و روایی همزمان آن با مقیاس افسردگی پرسشنامه سلامت عمومی ۰/۷۶ گزارش شده است (انیسی، ۲۰۰۵). پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسال کولینز رید (RAAS) نیز با ۱۸ سؤال خودارزیابی از مهارت‌های ایجاد روابط و خودتوصیفی از شیوه شکل‌دهی روابط دلبستگی نسبت به چهره‌های دلبستگی نزدیک است. این پژوهش دارای روایی و اعتبار لازم با مقادیر آلفای کرونباخ بیش از ۸۰ درصد و اعتبار ۰/۹۵ است (پاکدامن، ۲۰۰۱). برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. در بخش آمار توصیفی از جدول فراوانی و درصد و میانگین و انحراف معیار برای مقایسه میانگین افکار خودکشی بین سربازان و در

بخش آمار استنباطی برای مشخص کردن معناداری همبستگی بین متغیرهای تعریف‌شده از ضریب همبستگی پیرسون و برای میزان پیش‌بینی از رگرسیون چندمتغیره استفاده شد.

یافته‌ها

برای تحلیل متغیرهای دموگرافیک از آزمون t استفاده شد و یافته‌ها نشان داد: از اعضای نمونه ۶۶٪ مجرد و ۴۴٪ متأهل و نیز ۳۱٪ دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۴۴٪ دیپلم و ۲۰٪ کارشناسی و ۵٪ کارشناسی ارشد، هستند. همچنین حدود ۷۴٪ از اعضای نمونه ساکن روستا و ۲۶٪ ساکن شهر و بیش از ۴۷٪ مخاطبان سرباز عادی و ۳۸٪ درجه‌دار و ۱۵٪ افسر بودند. همچنین نتایج نشان داد، سطح افکار خودکشی در سربازان با مدارک تحصیلی بالاتر کمتر بود، به‌طوری‌که هیچ‌یک از سربازان دارای مدرک دیپلم و بالاتر، سطح افکار بسیار خطرناک نداشتند. همچنین افکار خودکشی در سطوح بالا بین سربازان متأهل دیده نشد. افرادی که محل سکونت آنها در روستا بود، همگی از نظر درگیری با افکار خودکشی در سطح بدون خطر قرار گرفتند. نتایج آمار استنباطی طبق جدول ۱ نشان داد که در سطح خطای ۰/۰۵ بین سبک دلبستگی دوسوگرا با افکار خودکشی، رابطه مثبت معنادار و بین سبک‌های دلبستگی ایمن و اجتنابی با افکار خودکشی، رابطه منفی معناداری وجود دارد؛ یعنی با افزایش نمره سبک دلبستگی دوسوگرا، نمره افکار خودکشی به‌طور معناداری افزایش ولی افزایش نمره در هر یک از دو سبک دیگر در افکار خودکشی با کاهش همراه بود.

جدول ۱ - نتایج تجزیه و تحلیل همبستگی دو متغیر سبک‌های دلبستگی با افکار خودکشی سربازان

سبک ایمن	سبک اجتنابی	سبک دوسوگرا	همبستگی پیرسون (r)	ضریب خطا
-۰/۲۱	-۰/۲۲	۰/۲۲	۰/۳۳	۰/۳۳
۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۳۸		

در ادامه با توجه به رعایت پیش‌فرض‌های لازم برای برآورد قدرت پیش‌بینی متغیر ملاک (افکار خودکشی سربازان) از طریق متغیرهای پیشگو از رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. با توجه به جداول ۲ و ۳ و ۴ و مقدار خطای کمتر از ۰/۰۵، معناداری این فرضیه تأیید و از معادله رگرسیونی برای نوشتن افکار خودکشی در سربازان استفاده شد.

جدول ۲ - رگرسیون

ضریب همبستگی	ضریب تبیین R2	R2 تعدیل شده	خطای برآورد
۰/۳۳	۰/۱۱	۰/۰۸	۴/۳۵

جدول ۳ - تحلیل واریانس ANOVA b

جمع مربعات	میانگین مربعات	آزمون (F)	Sig
۲۸۳/۳۳	۲۸۳/۳۳	۴/۹۷	۰/۰۳
۲۲۷۷/۷۸	۱۸/۹۸		
۲۵۶۱/۱۲			

رگرسیون
باقیمانده
مجموع کل تغییرات

جدول ۴ - عامل‌های مشترک در معادله رگرسیونی

متغیرها	B	انحراف معیار	عامل‌های مشترک غیراستاندارد	عامل‌های مشترک استاندارد	T	Sig
مقدار ثابت	۸/۰۱	۲/۹۶			۲/۷	۰/۰۵
سبک دلبستگی ایمن	-۰/۲	۰/۱	۰/۱۶		-۱/۹	۰/۰۴
سبک دلبستگی اجتنابی	-۰/۳۲	۰/۱۵	-۰/۱۸		-۲/۱	۰/۰۳
سبک دلبستگی دوسوگرا	۰/۱۲	۰/۰۷	-۰/۱۴		۱/۶۴	-

معادله رگرسیونی افکار خودکشی در سربازان = مقدار ثابت (۸/۰۱) + سبک دلبستگی ایمن (-۰/۲) + سبک دلبستگی اجتنابی (-۰/۳۲)

بحث و نتیجه‌گیری

اجتنابی قادرند به‌طور معناداری افکار خودکشی را پیش‌بینی کنند. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیقات گلازبروک، تاونسن، سایال (۲۰۱۵)، آدام (۱۹۹۶) همسو بوده است. گرچه تحقیقات شارپ، ونتا (۲۰۱۵) نشان داد که ممکن است متغیرهای تعدیل‌کننده‌ای در این ارتباط دخیل باشند که لازم است در پژوهش‌های

این پژوهش نشان داد که بین سبک دلبستگی دوسوگرا با افکار خودکشی، رابطه مستقیم و بین سبک‌های دلبستگی ایمن و اجتنابی با افکار خودکشی، رابطه معکوس وجود دارد. به‌علاوه، نتایج نشان داد که سبک دلبستگی ایمن و سبک دلبستگی

و خواسته‌هایش از دنیا بر مبنای واقعیت قرار نداشته باشد، بنابراین ممکن است با شکست‌های متعددی در این رابطه مواجه شود. این شکست‌ها در کنار احساسات دوگانه نیاز و ترس از طرد در روابط با دیگران می‌تواند منبعی قوی برای افسردگی و افکار خودآسیبی شناخته شود. پژوهش‌های لویز، (۲۰۰۲)، بوتوناری (۲۰۰۷) و وی (۲۰۰۵) مؤید یافته‌های این تحقیق است.

همچنین نتایج پژوهش آساف (۲۰۱۵) نشان داد که نوع سبک دلبستگی با رفتارهای پر خطر و ابعاد تنظیم احساسات، رابطه دارد. نتایج این تحقیق با پژوهش حاضر همسوست؛ زیرا افکار خودکشی پیش‌زمینه اقدام به خودکشی است و اقدام به خودکشی یکی از رفتارهای پرخطری است که در آن کنترل احساسات به شدت تحت تأثیرات منفی قرار دارد. در این تحقیق سبک دلبستگی دوسوگرا رابطه مثبت و معناداری با افکار خودآسیبی داشت. در پژوهش‌هایی که قبلاً ذکر شد، نیز نشان داده شده است که سبک دلبستگی دوسوگرا با رفتارهای پرخطر، رابطه مثبت و معناداری دارد. بنابراین هرچه دودلی فرزند و در نتیجه آن اضطراب او از جدایی و احتمال وجود یا عدم وجود منبع حمایت اجتماعی در شرایط ضروری بیشتر بوده باشد، میزان افکار خودکشی در آینده افزایش خواهد داشت. این پژوهش فقط در مورد سربازان با افکار خودکشی صورت گرفته است، لذا پیشنهاد می‌شود چنین پژوهشی روی سایر گروه‌ها و نیز دختران و زنان هم صورت گیرد. همچنین باتوجه به گسترش روزافزون رفتارها و افکار خودکشی‌گرایانه در جهان و اهمیت جانی و مالی بالای آن برای ملت‌ها و دولت‌ها، پیشنهاد می‌شود با تحقیقاتی بیشتر همانند پژوهش زمانی و همکاران (۲۰۱۶)، مبتنی بر روش‌ها و سبک‌های مختلف درمانی در راستای مقابله با سبک‌های ناسالم

آتی به آن پرداخته شود. برای تبیین نتایج می‌توان اظهار کرد، همان‌طور که بالبی در نظریه دلبستگی خود بیان داشته است، سبک دلبستگی ایمن یکی از مطمئن‌ترین راه‌های ایجاد پیوند با محیط است. همچنین سبک دلبستگی ایمن به دلیل محوریت آن در سلامت روان، باعث افزایش امید به زندگی و در نتیجه کاهش افکار منفی می‌شود. بنابراین هرچه میزان اطمینان کودک به نگهدارنده اصلی‌اش بیشتر بوده باشد، میزان افکار خودکشی در آینده کاهش خواهد داشت. در این راستا می‌توان به هم‌راستایی تحقیق رحیمیان و بوگر (۲۰۰۸) اشاره کرد. در مورد سبک دلبستگی اجتنابی باید گفت همان‌گونه که نتایج پژوهش مظاهری (۲۰۱۲) نیز نشان داده است، سبک دلبستگی اجتنابی با تمام معایبی که دارد با برخی از سازه‌های مثبت روان‌شناسی، رابطه مثبت و با بعضی از سازه‌های منفی، رابطه منفی دارد. این سبک معمولاً با اضطرابی که نسبت به ارتباط با دیگران برانگیخته می‌شود، مشخص می‌گردد. این اضطراب علاوه بر کاهش رابطه، حالت گوش‌به‌زنگی را ایجاد می‌کند. هرچند کاهش رابطه اجتماعی، بالقوه مخرب است، اما اگر در شرایطی باشد که روابط اجتماعی ناسالم، نرم شده باشد می‌تواند از آسیب‌های احتمالی ناشی از روابط اجتماعی ناسالم بکاهد و باعث کاهش افکار خودکشی شود. بنابراین هرچه میزان اطمینان فرزند از تنهاماندن خود در شرایط گوناگون که به نوعی استقلال اجتماعی اشاره دارد، بیشتر بوده باشد، میزان افکار خودکشی در آینده کاهش خواهد داشت. طبق نظر بالبی، سبک دلبستگی دوسوگرا به‌عنوان بدترین سبک دلبستگی یاد شده است. ایجاد اضطراب، احساسات دوگانه و متناقض باعث می‌شود که فرد نسبت به خود، دیگران و در نتیجه زندگی، دید منفی پیدا کند. این دید منفی باعث می‌شود که برآوردهای فرد از انتظارات

5. Bowlby, J. (1980). *Loss: Sadness and depression. attachment and Loss, Vol 3*. New York: Basic.

6. Feeney, J.A., & Noller, P. (1998). *Adult attachment*. London: Sage.

7. Glazebrook, K. Townsend, E. & Saval, K. (2014). The role of Attachment Style in predicting Repetition of Adolescent Self-Harm: A Longitudinal Study Suicide and life-threatening behavior. <https://www.readbyqxdm.com/read/25845416/the-role-of-attachment-style-in-predicting-repetition-of-adolescent-self-harm-a-longitudinal-study>.

8. Klinke, C. (2004). Translation by Shahram Mohammad Khani. Full set of life skills. Tehran, antibacterial arts.

9. Lopez, FG. Mauricio A M. Gormley B. Simko, T. Berger, E. (2002). Adult Attachment orientations and college students distress. *Journal of Couns Dev.* 49(4):460-7

10. Mazaheri, M, A. (2000). Iranian infant attachment patterns, *Psychology Bulletin*. Issue 8, pp. 291-315

11. Pakdaman, Sh. (2001). The relationship between adolescent attachment and loving society. *Journal Psychological Science*. 9- 49

12. Papalia, D.E. (2002). *A child's world: infancy through adolescent*. New York: McGraw-Hill.

13. Pines, M.A (2005). *Falling in love (why we chose the loves we chose)*. New York and hove: Rutledge.

14. Powers, J. Jaclitch, B. (1990). Maltreatment among runaway and homeless youth. *Child Abuse and Neglect*, 14, 87-89.

15. Rahimian Boogar, R. (2008). The relationship between attachment style and mental health. *Journal of Psychology*. 11. 1- 2

16. Rezaie, D E. (2005). *Guide to assessment, diagnosis and treatment of suicidal thoughts and behavior in children and adults*. University of Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran.

17. Rudd, D & Joiner, T & Rajab, H. (2001). *Foroughan Mahshid translation Deal with suicidal tendencies..* Tehran Roshd publication.

18. Sadock & Sadock, (2007). translation: Poor Afkari. (2014). *Summary of Psychiatry Kaplan and Sadvk*, venerable publication.

19. Shams, H. Esfandabad kakavand, Z. Torabi, A. (1391). Relationship between attachment styles and identity, public health and academic achievement of high school students in Qazvin. *Journal of New Thoughts on Education, Faculty of Education and Psychology, University, Volume 7, Number 2*

دلبستگی، از اقدام به خودکشی جلوگیری شود. برای جلوگیری آنی از رفتار خودآسیبی و تمایلات خودکشی گرایانه می‌توان با بهره‌گیری از نیروهای متخصص روان‌شناس در سطح سازمان‌ها و یگان‌های مختلف از جمله یگان‌های نظامی و آگاه‌سازی و آموزش مهارت‌های تربیتی جهت خانواده‌ها، جوانان و مهارت‌فرزندپروری توسط آنان و اهتمام به این امر در حل معضل بزرگ نسل‌های اخیر گام برداشت.

تشکر و قدردانی

از همکاری همه فرماندهان محترم نظامی که در اجرای این پژوهش، همکاری نمودند، تقدیر و تشکر می‌نمایم.

پی‌نوشت

- 1 . Suicidal thoughts
- 2 . Attachment
- 3 . Secure attachment style
- 4 . Avoidant attachment style
- 5 . Ambivalent attachment style
- 6 . Life span
- 7 . Emergencies
- 8 . Ascheneidman

منابع

1. Adam, K.S. (1996). Attachment organization and history of suicidal behavior in clinical adolescents. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 64, pp. 264–272

2. Anisi, J. (2005). Assess the reliability and validity of the Beck Scale for Suicidal Ideation soldiers. *Journal of Military Medicine*, Volume VII, Issue 1.

3. Assaf, O. Tara, E S. Jody, C. Joshua, D M. (2015). Child maltreatment types and risk behaviors: Associations with attachment style and emotion regulation dimensions. *Journal: Personality and Individual Differences*, Volume 73, January 2015, Pages 127–133. Publisher: Elsevier - Science Direct.

4. Bottonari KA, Roberts J E. Kelly M A. Kashdan TB, Ciesla JA. A prospective investigation of the impact of attachment style on stress generation among clinically depressed individuals. *Behav Res Ther.* 2007;45(1):179-88.

22. Wei, M, Mallinckrodt B, Larson LM, Zakalik RA. Adult Attachment, Depressive Symptoms, and Validation From Self Versus Others. *J Couns Psychol.* 2005;52(3):368-77

23. Zamani, N. Noohi, Sh. Nikdel Teimouri, N. Jahangir, A. H. (2016). Effectiveness of Dialectical Behavior Therapy for Reducing Suicidal Thoughts (Suicidal Ideations) in Suicide Attempters with a History of Previous Suicide. *Health Research Journal*, Volume 1, Issue 3.

20. Venta, A., & Sharp, C. (2014). Attachment organization in suicide prevention research, Crisis.

<http://www.uh.edu/class/psychology/clinical-psych/research/dpl/publications>.

21. Waters, E.& Cummings, M.C. (2000). Attachment security in infancy and early adulthood: A twenty-year longitudinal study. *Child development*.